



مقدمات تدبیر در قرآن

جلسه پنجم: ۹۴/۵/۱۱

گزاره‌های تفکری، تعقلی، تدبیری، طهارتی

- در جزوه مقدمات، دستگاه کلی تعریف شده است که شامل چهار مرحله، «تفکر»، «تعقل»، «تدبیر» و «طهارت» است. این چرخه به واسطه انس بیشتر با سوره‌های قرآن می‌تواند تکمیل شود و شروع به چرخیدن کند. و به میزان طهارت بیشتر فرد، تک‌تک مراحل این چرخه افزایش بیشتری خواهد یافت.

* توضیحی مختصر درباره گزاره‌های تفکری، تعقلی، تدبیری و طهارتی:

گزاره‌های تفکری:

- وقتی صحبت از تفکر می‌کنیم بحث تفکیک اجزاء است. منظور از اجزاء طبیعتاً آیات یک سوره است که می‌تواند به جزءهای دیگری مانند کلمات و حروف تقسیم شود.

- اگر قدرت داشته باشیم اجزاء را به خوبی از هم مجزا کنیم و بین آنها رابطه برقرار کنیم. به این فرآیند تفکر گویند. اگر بتوانیم اجزاء یک آیه یا سوره را به خوبی از هم تفکیک کنیم و روابط بین آنها را کشف کنیم تفکر انجام داده‌ایم. این کشف ارتباط را به وسیله «گزاره‌های منطقی» انجام می‌دهیم. کتاب مقدمات تدبیر سرشار از گزاره‌های منطقی است.

- گزاره: جمله‌ای که حاصل از تفکیک اجزاء باشد و رابطه‌ای را نشان دهد به آن گزاره گفته می‌شود.

- گزاره‌ها در تفکر بسیار جزیی است. انگار دل و روده سوره‌ها و آیات را بیرون می‌ریزیم و درباره تک‌تک عناصر حرف می‌زنیم.

- هرچقدر تفکر قوی‌تر باشد مراحل بعدی هم بهتر پیش می‌رود.

گزاره‌های تعقلی:

- ۱- وقتی گزاره‌ها به صورت کلی درآیند «تعقل» انجام داده‌ایم.
- ۲- وقتی به باید و نباید و معیار سنجش در گزاره‌هایمان برسیم تعقل کرده‌ایم.

مثال: در سوره مبارکه عصر

* گزاره تفکری:

والعصر (۱):

«و» قسم = به عصر قسم یاد شده است.

عصر = زمان در این سوره عنصر مهمی است.

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲):

به درستی که انسان در خسران است.

انسان‌ها همه در خسر هستند مگر ...

* گزاره تعقلی:

برای اینکه انسان در خسر نباشد باید چهار ویژگی که در سوره آمده است در انسان تقویت شود.
«زمان» چیزی است که انسان در حال از دست دادن آن است لذا به واسطه این چهار ویژگی می توان از زمان استفاده کرد.
معیار سنجش: این چهار ویژگی نشان می دهد که انسانی در خسر هست یا نه.

گزاره های تدبری:

- تدبیر: تدبیر برای انتقال به افق زندگی / کشف غرض گوینده

- وقتی سؤال پیش آید که این گزاره ها با زندگی ما چه ارتباطی دارد، تدبیر می شود. البته هنوز عملیاتی نیست و فقط داریم تدبیر می کنیم و برای آن نقشه می کشیم. چون مختصات زندگی ما با بقیه متفاوت است لذا تدبیری که برای زندگی خود می کنیم با بقیه متفاوت است.

- در سوره مبارکه عصر: خداوند می خواست توجه انسان را به از دست رفتن سرمایه ای به نام زمان جلب کند پس معلوم است نوع انسان ها به سرمایه زمان توجه ندارند. برای گزاره های تدبری، باید در نظر بگیریم که «عصر زمان» برای ما باید به گونه ای مدیریت شود و برای دیگران به گونه ای دیگر.

گزاره های طهارتی:

- طهارت: پیاده سازی عملیاتی فهم.

- اگر گزاره هایی که مطابق زندگی خودمان تدبیر کرده ایم را طبق آنچه فهمیدیم، عمل کنیم «طهارت» است.

- پر واضح است که مرحله آخر که طهارت است از همه مهم تر است زیرا اگر گزاره ها به عمل در نیایند، فرقی با نخواندن سوره نداریم. یعنی حداقل فردی که سوره مبارکه عصر را خوانده است باید وقت های تلف شده اش کمتر باشد.

- مشکل عمده افراد از ناحیه طهارت است. مقدمات تدبیر می خواهد بخش طهارت را فعال کند. در هر سوره نکات طهارتی فراوانی دارد. هر سوره ای که انتخاب شده است محوری از طهارت را در ما فعال می کند.

- اگر در کسی نکات طهارتی که از سوره ها یاد می گیرد به عمل تبدیل نشود، دچار سوء هاضمه خواهد شد.

- هر کسی با خودش قرار بگذارد اگر به نکات طهارتی که از سوره یاد می گیرد در طول هفته عمل نکند، جلسه آینده اش در کلاس حضور نداشته باشد. لذا از کنار هیچ سوره ای بدون تفاوت نگذریم و حداقلش این باشد که یک هفته ذهن ما را به خودش مشغول کند و این مسئله می تواند از طریق انس اتفاق بیفتد، در انس قید تکرار و مداومت وجود دارد. مثلاً اگر در نمازهایمان در هفته آن سوره خوانده شود می تواند در فهم، تفکر، تعقل و طهارتمان مؤثر باشد.

سوره مبارکه ماعون:

کلیتی از فضای سوره:

❖ أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِنِّ (۱)

○ آیا کسی که همواره روز جزا را انکار می کند، دیدی؟ (۱)

- ❖ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ (۲)
 - همان که یتیم را به خشونت و جفا از خود می‌راند، (۲)
- ❖ وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ (۳)
 - و [کسی را] به طعام دادن به مستمند تشویق نمی‌کند. (۳)
- ❖ فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ (۴)
 - پس وای بر نمازگزاران (۴)
- ❖ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۵)
 - که از نمازشان غافل و نسبت به آن سهل‌انگارند. (۵)
- ❖ الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُنَ (۶)
 - همانان که همواره ریا می‌کنند (۶)
- ❖ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (۷)
 - و از [دادن] وسایل و ابزار ضروری زندگی [و زکات، هدیه و صدقه به نیازمندان] دریغ می‌ورزند. (۷)

گزاره‌های تفکری از سوره مبارکه ماعون:

- آیه ۱: أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ

أ: همزه استفهام

- ۱- خداوند از مخاطب انتظار فهم چیزی را دارد.
- ۲- مخاطب به چیزی توجه نداشته است که در این سوره دعوت به توجه می‌گردد.

رأی:

- ۳- مخاطب توان دیدن دارد.

أ + رأی:

- ۴- توجه مخاطب به دیدن چیزی مد نظر است.
- ۵- این سوره دنبال فعال کردن قوه بینایی فرد است.

رأی + ت:

- ۶- خداوند حضرت رسول را مخاطب قرار داده است.
- ۷- توجه پیامبر به مسئله‌ای جلب شده است.
- ۸- دیدن پیامبر در اینجا موضوعیت دارد.

الذی:

- ۹- از آدات معرفی است.

أرایت + الذی:

- ۱۰- موضوع مورد مشاهده شخص خاصی است.

یکذب:

۱۱- چیزی مورد تکذیب قرار گرفته است.

۱۲- در این تکذیب استمرار وجود دارد (فعل مضارع)

یکذب + ب:

۱۳- موضوعی برای تکذیب همیشگی وجود دارد.

یکذب + ب + الدین:

۱۴- آنچه که مورد تکذیب قرار می‌گیرد شناخته شده است.

۱۵- تکذیب در مورد هر آنچه از جنس دین است رخ می‌دهد.

أ رَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ:

۱۶- مخاطب دعوت به توجه دین، عمل فرد و استمرار در عمل فرد شده است.

- آیه ۲: فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ

يدع:

۱۷- فرد در عمل خود، دارای شدت زیاد است.

۱۸- او در رد کردن خود اهتمام جدی دارد.

۱۹- او رد کردن را به طور مستمر انجام می‌دهد.

الیتیم:

۲۰- یتیم کسی است که سرپرست خود را از دست داده است.

۲۱- کسی که سرپرست امور خود را از دست داده است به نتیجه نمی‌رسد و امورش به هم می‌ریزد و به آشفتگی می‌انجامد.

۲۲- یتیم کسی است که در اثر یتیمی توانایی‌های فرد به عرصه ظهور نمی‌رسد.

۲۳- یتیم برای تصدی سرپرستی به افراد دیگر مراجعه می‌کند.

۲۴- در فرد توانایی سرپرستی و رفع نیازها وجود داشته است.

۲۵- یتیم به انگیزه یا امیدواری به سراغ فرد مکذّب دین آمده است.

يدع + الیتیم:

۲۶- مکذّب دین علی‌رغم اینکه توانایی سرپرستی داشت به بدترین وجه یتیم را راند.

- آیه ۳: وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ

۲۷- مسکین نیاز به طعام دارد.

۲۸- به تشویق کردن در مورد طعام دادن هم اهتمامی نمی‌کند.

۲۹- اگر خودت هم نمی‌توانی به مسکین کمک کنی تشویق کن دیگری را که می‌تواند.

- «مسکین» از ریشه سکون است به معنای کسی که از شدت نداری زمین‌گیر شده است.
- معنای «حض» از التحقیق: تشویق و ترغیب به امری که دوش شأن فرد است حال یا توهماً یا اعتباراً.
- مسکین وضعیتیست از یتیم بدتر است زیرا اگر به مسکین طعام داده شود تازه تبدیل می‌شود به یتیم.
- ۳۰- معلوم می‌شود فرد مکذّب دین، برای خودش رغبتی به بعضی از امور نداشته است و این عدم رغبتش به خاطر شأنی بوده است که برای خود تعریف می‌کرده است.
- معنای «طعام» از التحقیق: خوردن و نوشیدن که با اشتها و ذائقه هماهنگ و همراه است.

طعام + مسکین:

- ۳۱- هر مسکینی ذائقه و اشتها می‌دارد.
- ۳۲- کسی که می‌خواهد حضّ طعام مسکین کند باید مطابق با ذائقه و اشتها کند و این هماهنگی مهم است.
- متأسفانه افراد می‌پندارند که رسیدگی به مسکین و یتیم کاری است دون از شأنشان و اصلاً این کار را دون شأن می‌دانند.
- کسی که می‌خواهد تشویق کند افراد را برای اطعام مسکین باید:
 - ۱- ذائقه مسکین را بشناسد.
 - ۲- آنچه مناسب ذائقه است را نیز بشناسد.
 - ۳- فردی که توانمند است و توانمندی‌اش متناسب با مسکین است را نیز بشناسد.
 - ۴- بتواند بین آنها ارتباط برقرار کند.
- یعنی بتوانیم شئون توهمی افراد را بشکنیم و اجازه بدهیم به آنها که به مسکین کمک کنند.

زنگ دوم:

ادامه گزاره‌های تفکری بقیه آیات:

*** قسمت دوم سوره مبارکه ماعون شخصیت اصلی یک نمازگزار را که مورد توبیخ قرار گرفته، نشان داده است.

آیه ۴: فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ

- از کاربرد «ویل» در سور دیگر که بسیار توبیخ سنگینی است می‌فهمیم که در اینجا هم این نمازگزاران وضعیت بدی دارند.
 - ۱- نمازگزار می‌تواند مورد نفرین یا عتاب خداوند قرار گیرد.
 - ۲- او نمازگزار است که مطابق دین عمل نکرده است. او نمازگزاری است که رنگ و بویی از نماز نبرده است.
 - مصلّین اسم فاعل است لذا چون به صورت اسم به کار برده است پس این مسئله در آنها نهادینه شده است و ضمناً به صورت جمع آمده است یعنی نمازگزاران بسیاری می‌توانند این‌گونه باشند.
 - ۳- نمازگزار به واسطه غفلت از نماز خود مشمول عتاب/ نفرین می‌گردد. نمازگزاری که غفلت از:
 - ✓ فوت شدن نماز دارد.
 - ✓ زمان نماز دارد.
 - ✓ احکام و مسائل نماز دارد.

- سهو: غفلت از امری که انجام آن قصد شده است و یا اراده به انجام آن بوده است.

- آیه ۵: **الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤْنَ**

۴- کسانی که ریاکار هستند.

۵- نمازگزاری که نماز خود را به نیت و هدف دیده شدن می‌خواند مشمول ویل است.

۶- نیت دیده شدن خودش سهو دارد زیرا او نماز می‌خواند برای خدا که سر از دیده شدن در می‌آورد.

- نکته: جماعت خواندن نماز و در جمع بودن می‌تواند به انسان کمک کند تا کمتر دچار ریا شود زیرا در جماعت یک نفر دیده نمی‌شود بلکه جمع است که دیده می‌شود.

۷- یاد بگیریم در جامعه به عناصری توجه کنیم که دیگران به آن توجه نمی‌کنند.

- آیه ۶: **وَيَمْتَعُونَ الْمَاعُونَ**

✓ مَنَعٌ: جلوگیری کردن.

✓ مَعْنٌ: اسباب و اثاث اولیه زندگی است. ملایمت و اعتدال در یک امر.

✓ منع ماعون: جلوگیری کردن از اسباب اولیه زندگی.

- مسکین و یتیم کسانی هستند که از معونه خودشان منع شده‌اند.

- معونه زندگی یعنی اسباب و وسایل زندگی می‌تواند شأن بسازد. مثال: لوازم‌التحریر برای یک دانش‌آموز می‌تواند او را به شأن دانش‌آموزی برساند و یا دارو برای یک بیمار می‌تواند او را به شأن سلامتی برساند.

- وجود شئون مختلف برای یک انسان خوب است اما باید مدیریت واحدی، این شئون را اداره کند.

- داشتن شأن ایراد نیست اما نباید این شأن در فرد، مانع بعضی از کارهای خیر و یا وظایف شود، مثلاً اگر کسی عروس شد و شأن عروس بودن پیدا کرد، دیگر نباید به مادرش احسان کند؟ اگر این اتفاق بیفتد، شأن در آن فرد توهمی است. در حالی که هر شأن جدیدی مسئولیت جدیدی برای فرد به همراه می‌آورد و او باید از شأنش استفاده کند و اگر نکند یعنی منع ماعون کرده است.

۸- بر اساس سوره مبارکه ماعون کسی که نمازگذار است نباید سهو در نماز داشته باشد یعنی سهو در نماز معونه نماز نیست.

کسی که سهو در نماز دارد در اثر رعایت نکردن حداقلی، خودش را از آن چیزی که قرار بود تمایز برای او به ارمغان آورد محروم کرده است.

۹- نماز، انسان را از فحشا و بدی باز می‌دارد و اگر این گونه نشد یعنی فرد نمازگزار در نمازش سهو داشته است. پس نمازگذار

حداقل باید شرایط اولیه نماز را داشته باشد یعنی سهو در نماز نداشته باشد.

۱۰- ریا خودش منع ماعون می‌کند.

- نکته: «دیده شدن» یک نیاز درونی است که انسان نیاز دارد دیده شود حال اگر کسی این دیده شدن را از مردم بخواهد یعنی ریا کند خودش را از دیده شدن خدا محروم کرده است. پس منع ماعون کرده است. اگر فرد دیده شدن در نزد خدا برایش مهم می‌شد شأنیتش عبد و یا مصلین و ... می‌شد و خدا او را مورد رحمت قرار می‌داد حال که این اتفاق نیفتاده است خود فرد اولین نفری است که محروم می‌شود.

۱۱- یتیم کسی بود که سرپرستش را از دست داده بود. «دین»، باید و نبایدهایی تعریف می‌کند که انسان را از یتیمی و مسکینی خارج می‌کند.

۱۲- کسی که منع ماعون می‌کند از ملایمت در امری جلوگیری می‌کند. باعث می‌شود جامعه مسکین باقی بماند و به اعتدال نرسد. لذا عده‌ای در جامعه فقیر و مسکین می‌شوند.

۱۳- «اعتدال در صلوات» این است که حق آن را به جای آوریم یعنی عدم سهو و عدم ریاء.

۱۴- امام یا رسول جامعه نقشش دیده‌بانی میزان یتیم و مسکین است. یتیم و مسکین مجموعه‌ای از نقص‌ها و کمبودها و نیازها بود و باید مردم را جهت دهد.

۱۵- به میزان پیاده شدن دین در حوزه اجتماعی و حوزه فردی که رابطه با خداوند است اعتدال و بهره‌مندی یک جامعه حداکثری می‌شود. نقش پیامبر از این جهت مهم است که تبیین‌کننده دین است. (گزاره تعقلی و تدبری)

- نگاه ما باید همسو با نگاه پیامبر باشد و پیامبر آنچه را که در این سوره مشاهده می‌کنند ما هم سعی در مشاهده کنیم و هرچقدر که فاصله‌امان با افق دید پیامبر زیاد باشد بیشتر در معرض آسیب هستیم.

- انشاءالله به برکت خواندن این سوره از ریا خارج شویم و آنچه که قرار است به ما نرسد حداقل درباره خودمان منع ماعون نکنیم.

 چند کار طهارتی برای این هفته:

۱- توجه به نمازهایمان در این هفته

۲- کمک و انفاق به دیگران خصوصاً به اطرافیان

۳- شناسایی انواع یتیم

اللهم صل على محمد وآل محمد والحمد لله رب العالمين